



مهدی فیروزیان

موسیقی ایرانی
در شعر سایه

سایه و موسیقی (۱)

موسیقی ایرانی در شعر سایه

مهدی فیروزیان

سرشناسه: فیروزیان حاجی، مهدی، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور: موسیقی ایرانی در شعر سایه / مهدی فیروزیان
مشخصات نشر: تهران: هنر موسیقی، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص، ۱۵، ۵×۲۱، ۵ س م.
فروست: سایه و موسیقی: ۱
شابک: ۹-۳-۹۱۱۲۷-۶۰۰-۹۷۸-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه
یادداشت: نمایه
موضوع: ابتهاج، هوشنگ، ۱۳۰۶ - - نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴ - - تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ی ۸۶۴ ب ۳ / PIR۷۹۴۳
رده‌بندی دیوبی: ۸۶۲۰۹ / ۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۱۴۴۸۴

موسیقی ایرانی در شعر سایه، سایه و موسیقی (۱)
مؤلف: مهدی فیروزیان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)
مدیر اجرایی: مرگان زرین‌نقش
مدیر هنری: سعید فروتن؛ استودیو مرکزی
طراح گرافیک: امیرمهدی مصلحی
ناشر: هنر موسیقی
چاپ: آرتا
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۵ هزار تومان
© حق چاپ برای ناشر محفوظ است.
تلفن انتشارات و مرکز پخش: ۴۴۲۶۳۴۴۴ (۰۲۱)

برگ سبزی برای
نودسالگی سایه

م. سرشک

مسندخواجگی امروز دشوار تو باد
کز فروغ نخت سال محرم روشن شد



فهرست

پیش‌درآمد	۷
سال‌شمار	۱۱
درآمد	۱۹
فرهنگ بسامدی واژه‌های موسیقایی	۳۱
۱. شیوه‌نامه	۳۳
۲. متن فرهنگ	۳۷
۳. واژه‌های در پیوند با موسیقی	۱۵۱
ایهام‌های موسیقایی	۱۶۷
۱. ایهام و دومعنایی	۱۷۱
۲. ایهام تناسب	۱۷۸
۱-۲. اعلام موسیقایی	۱۸۲
۲-۲. سازها	۱۸۹
۲-۳. دستگاه‌ها	۱۹۳
۲-۴. گوشه‌ها	۱۹۵
۲-۵. واژه‌ها و اصطلاحات دیگر	۲۰۴
نمایه حوزه‌های معنایی	۲۱۷
نمایه سروده‌های سایه	۲۳۱
کتابنامه	۲۴۹
نمایه	۲۵۵

پیش درآمد

آه کان آوازه را بختند
سازها را خامشی آموختند

خنجر کین دگلوئی نه زنده
یک آن پیغام بار پنهان زنده

آن ستمگر بین که تا زره رسید
گیسوی چنگ و گلوئی نه برید

پیش درآمد

از فرد و زخمه های ناروا
عاقبت از شورافتاد آن نوا

نغمه چنگ همایون شوم شد
جانشین آن حکاک بوم شد

بس که بیداد از پس بیداد رفت
مهربانی مردود داد از یاد رفت

عاشقان در آتش سوز و گداز
لب فرو بستند از راز و نیاز

قصه لیلی و محبتش شد زیاد
نغمه عشاق از اوج افوت

روزگار آهنگ دم سردی گرفت
سبز در سبز چمن زردی گرفت

(بانگ نی، ص ۹۵-۹۳)

مجلس فروزان بزم آرای بزم
نوحه خوان سوک نوروز عجب

باز ببارونه بگر کاین زمان
تیر می بار دزد هر سو بکران

خارج آهنگی و ناسازای گنار
گوشتالت داد خواهد روزگار

سال شمار

سال شمار

- ۱۳۰۶ (۶ اسفند) زاده شدن در رشت. نام پدر: آقاخان. نام مادر: سیده فاطمه رفعت.
- ۱۳۱۳ آغاز تحصیلات ابتدایی در رشت (سال نخست مدرسه عنصری، سال های دیگر مدرسه قآنی).
- ۱۳۱۸ سرودن نخستین شعر.
- آغاز آشنایی با موسیقی و ساز ویلن نزد یرواند مارتیروسیان.
- ۱۳۱۹ آغاز تحصیلات متوسطه در مدرسه لقمان و سپس مدرسه شاپور.
- ۱۳۲۵ (مهر) چاپ نخستین نغمه ها (نخستین دفتر شعر سایه) با پیشگفتار مهدی حمیدی شیرازی و عبدالعلی طاعتی (رشت: بنگاه انتشاراتی طاعتی).
- ترک خانه پدری و رفتن به تهران (خانه مادر گلچین گیلانی، خاله سایه).
- ادامه تحصیلات متوسطه در دبیرستان تمدن (پس از دو بار تکرار کلاس پنجم متوسطه در همین مقطع ترک تحصیل می کند).
- آشنایی با فریدون توللی در سفر به خرمشهر.
- ۱۳۲۶ (۱۰ شهریور) درگذشت مادر.
- آشنایی با احمد شاملو در سفر او به رشت.

- ۱۳۲۷ ■ آغاز همنشینی و دوستی نزدیک با محمدحسین شهریار و آشنایی با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی و احمد عبادی.
- کوچ خانوادهٔ ابتهاج (پدر و سه خواهر سایه) به تهران (پدر پس از چندی به رشت بازگشت و ریاست بیمارستان پورسینای رشت را پذیرفت. خواهران در تهران ماندند).
- ۱۳۲۸ ■ آغاز دوستی با نادر نادریور.
- ۱۳۳۰ ■ چاپ مجموعهٔ شعر سراب (تهران: صفی‌علیشاه).
- آغاز دوستی تأثیرگذار با مرتضی کیوان، آشنایی با نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرای، فریدون مشیری، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و حسن کسایی.
- ۱۳۳۲ ■ چاپ مجموعهٔ شعر سیاه‌مشق ۱ با پیشگفتار مرتضی کیوان و شهریار (تهران: امیرکبیر).
- چاپ مجموعهٔ شعر شبگیر (تهران: زوار).
- درگذشت پدر.
- آغاز کار در شرکت ساختمان‌های کشوری.
- ۱۳۳۳ (۱۳ شهریور) ■ آغاز کار در شرکت سیمان تهران از نخستین روز تأسیس شرکت در جایگاه مدیردفتر رئیس هیئت‌مدیره و رئیس امور اداری.
- ۱۳۳۴ ■ چاپ مجموعهٔ شعر زمین (تهران: نیل).
- پذیرفتن سرپرستی فاطمه عارف‌علایی (کودکی یتیم که در آن روزگار با خواهران سایه و او می‌زیست و پس از ازدواج، با همسر و فرزندان وی).
- ۱۳۳۷ (۱۰ مهر) ■ پیوند زناشویی با بانو آلمانا مایکیال.
- ۱۳۳۸ (۳۰ مرداد) ■ زاده شدن یلدا (نخستین فرزند).
- ۱۳۳۹ (۲۶ مرداد) ■ زاده شدن کیوان (نخستین پسر؛ سایه نام او را از نام خانوادگی دوست خود مرتضی کیوان، که در سال ۱۳۳۳ تیرباران شد، برگرفته است).
- ۱۳۴۰ (۲۴ مهر) ■ زاده شدن آسیا (دومین دختر سایه).
- چاپ ۲۴ غزل سایه به روسی در کتاب غزلیات معاصر ایران به کوشش جهانگیر دری و ورا کلاشتورنیا.
- ۱۳۴۱ (۷ آبان) ■ زاده شدن کاوه (واپسین فرزند سایه).
- نوشتن مقدمهٔ مجموعهٔ شعر خون سیاوش از سیاوش کسرای.
- ۱۳۴۴ ■ چاپ مجموعهٔ شعر چند برگ از یلدا (تهران: بی‌ناشر، چاپ محدود).
- سفر به شوروی (مسکو، لنین‌گراد، سمرقند، بخارا و...).

- ۱۳۴۸ ■ چاپ کتاب یادنامه هوهانس تومانیان (ترجمه شعرهای ارمنی به پارسی) با همکاری نادر نادریپور، گالوست خانیس، ر. بن (تهران: بی نا).
- ۱۳۵۱ (خرداد) ■ پذیرفتن سرپرستی برنامه گل ها در رادیوی ایران.
- بنیاد نهادن برنامه گل های تازه.
- آغاز سرایش منظومه بانگ نی.
- انتشار آلبوم «شعرهای هوشنگ ابتهاج» با صدای شاعر و پیانوی پرویز اتابکی (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان).
- ۱۳۵۲ ■ ساختن نخستین ترانه با نام «سرگشته» (تو ای پری کجایی).
- شرکت در دو همایش نویسندگان و شاعران آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در قزاقستان و ارمنستان.
- انتشار آلبوم «شعرهای سعدی» با صدای هوشنگ ابتهاج و موسیقی فریدون شهبازیان (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان).
- ۱۳۵۳ ■ پذیرفتن سرپرستی موسیقی رادیوی ایران.
- ۱۳۵۴ ■ جدایی از شرکت سیمان تهران.
- بنیان گذاری برنامه موسیقایی گلچین هفته و گروه موسیقی شیدا (به سرپرستی محمدرضا لطفی).
- ۱۳۵۵ ■ پایه گذاری گروه موسیقی عارف (به سرپرستی پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده).
- ۱۳۵۶ ■ انتشار سیاه مشق ۲ پس از چهار سال توقیف (تهران: کتاب زمان).
- شعرخوانی در شب های شعر انجمن گوته.
- ۱۳۵۷ (۱۸ شهریور) ■ کناره گیری از رادیو همراه با هنرمندان گروه شیدا و عارف.
- ۱۳۵۸ ■ بنیان گذاری کانون فرهنگی و هنری چاووش همراه با لطفی، علیزاده و مشکاتیان و پذیرفتن دبیری آن.
- ۱۳۶۰ ■ چاپ مجموعه شعر یادگار خون سرو (تهران: توس).
- انتشار مجموعه شعرخوانی «تا صبح شب یلدا» دردو کاست.
- ۱۳۶۲ (۷ اردیبهشت) ■ دستگیری و زندان.
- ۱۳۶۳ (۴ اردیبهشت) ■ آزادی از زندان (به بایمردی شهریار).
- آغاز کار پژوهشی برای پیرایش دیوان حافظ.
- کوچ همسر و فرزندان سایه به کلن آلمان.
- ۱۳۶۶ (زمستان) ■ کوچ سایه به کلن آلمان.

- ۱۳۶۷ ■ برگزاری شب شعر در آلمان، اتریش و دانمارک.
- ۱۳۶۸ ■ برگزاری شب شعر در آلمان و دانمارک.
- ۱۳۶۹ ■ انتشار سیاه‌مشق ۳ پس از پنج سال توقیف (تهران: توس).
- چاپ آینه در آینه برگزیده شعرهای سایه به گزینش محمدرضا شفیعی‌کدکنی (تهران: چشمه).
- ۱۳۷۱ ■ چاپ سیاه‌مشق ۴ (تهران: چشم و چراغ).
- برگزاری شب شعر در هلند.
- ۱۳۷۳ ■ چاپ حافظ به سعی سایه (تهران: توس و چشم و چراغ).
- برگزاری شب شعر در بابل (مازندران)، سوئد، نروژ، دانمارک.
- سخنرانی درباره تصحیح دیوان حافظ در لندن.
- ۱۳۷۴ ■ سخنرانی درباره تصحیح دیوان حافظ در آمریکا (برکلی، دالاس، شیکاگو، فیلادلفیا، لوس آنجلس، نیویورک، واشنگتن و...) و کانادا.
- انتشار دفتر هنر و ویژه سایه در آمریکا (اسفند، شماره ۵).
- ۱۳۷۸ ■ چاپ سیاه‌مشق با شعرهای تازه (تهران: کارنامه).
- ۱۳۸۵ ■ چاپ مجموعه شعر تاسیان (تهران: کارنامه).
- ۱۳۸۶ ■ انتشار ویژه‌نامه سایه در مجلات نگاه نو (اردیبهشت، شماره ۷۳) و بخارا (فروردین و اردیبهشت، شماره ۶۰).
- ۱۳۸۷ ■ چاپ ای عشق همه بهانه از توس: نقد و تحلیل و گزیده اشعار سایه به کوشش سارا ساور سفلی (تهران: سخن).
- ۱۳۹۱ ■ چاپ کتاب دو جلدی پیر پریشان‌اندیش گفتگوی میلاد عظیمی و عاطفه طیّه با سایه (تهران: سخن).
- ۱۳۹۲ (۵ آبان) ■ برگزاری شب بزرگداشت سایه با همکاری مجله بخارا و بنیاد موقوفات دکتر افشار در کانون زبان فارسی و انتشار دومین جشن‌نامه سایه در مجله بخارا (مهر و آبان، شماره ۹۶-۹۵).
- ۱۳۹۴ ■ چاپ تاسیان و سیاه‌مشق همراه با سروده‌های تازه (تهران: امین‌دژ).
- ۱۳۹۵ (۱۰ مهر) ■ دریافت بیست و سومین جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- چاپ منظومه بانگ نی (تهران: کارنامه) پس از ۱۰ سال توقیف.
- ۱۳۹۶ (۲۴ دی) ■ برگزیده شدن در نهمین جشنواره بین‌المللی فارابی در جایگاه پیشکسوت علوم انسانی ایران.

پیش ساز تو من از سحر سخن دم زنم
که بیانی چو زبان تو ندارد بخشم

درآمد

درآمد

امیرھوشنگ ابتهاج متخلص به سایه از شاعران بزرگ تاریخ زبان و ادب پارسی است که بر همه اسلوب‌های سخن و زبان چیرگی دارد و در قالب‌های غزل، نیمایی، چهارپاره، مثنوی، دوبیتی، رباعی و قطعه سخن‌سرایی کرده است. گزیده‌گویی شیوه همیشگی او بوده است و از این رو شمار شعرهای او در سنجش با بسیاری از شاعران بزرگ دیگر اندک می‌نماید. در سه کتاب سیاه‌مشق، تاسیان و بانگ نی که دربردارنده همه سروده‌های سایه‌اند^۱ ۲۴۲۸ بیت (در قالب‌های کهن یا چهارپاره و آزاد امروزی) و ۶۵ شعر نیمایی آمده است. با این همه، شکوه و شگرفی زبان و پندار و اندیشه شعر او را از برجسته‌ترین شعرهای روزگار کرده است؛ به گونه‌ای که هم در غزل، که بسیاری آن را قالب اصلی شاعری وی می‌دانند، و هم در قالب‌های دیگر سخنش اثرگذاری گسترده داشته و در یادها جاودانه و بر زبان‌ها روانه شده است.

۱. همان گونه که در سال شمار می‌بینید سایه دفترهای شعر گوناگونی به چاپ رسانده است؛ اما او سرانجام بر آن شد که همه سروده‌های خود را در سه دفتر گرد آورد. سیاه‌مشق را ویژه قالب‌های کهن کرد و شعرهای نو، نیمایی و چهارپاره را در تاسیان به چاپ رساند (البته یک تک‌بیت، یک غزل و یک قطعه دو بیتی هم در این کتاب آمده است). بانگ نی نیز منظومه‌ای جداگانه است. شماری از سروده‌های دفترهای پیشین (از جمله چند شعر سپید) و سراسر دفتر نخستین نغمه‌ها (سروده سال‌های نوجوانی شاعر) که سایه آن‌ها را نماینده هنر راستین خود نمی‌شمارد و خوش نمی‌دارد که آن‌ها را در شمار سروده‌های او بگذارند، از سه دفتر نام‌برده کنار نهاده شده‌اند. برای آگاهی از چند و چون کار سایه در آرمودن قالب‌های گوناگون و شمار شعرها و بیت‌های او در هر قالب به «نمایه سروده‌های سایه» در همین کتاب بنگرید.

سایه در جوانی چندی نوشتن شعر منثور (نام برآورده به شعر سپید) را هم آزمود؛ ولی بسیار زود آن را رها کرد و آن نوشته‌ها را در سال‌های پختگی از مجموعه شعرهای خود کنار نهاد^۱. شفیهی کدکنی، در این باره می‌نویسد:

از شاعران برجسته معاصر کسی که قبل از ۱۳۳۲ کوششی برای شعر منثور کرده است یکی ه. ا. سایه است که خود در یادداشتی درباره آن‌ها گوید قطعاتی که در این کتاب با علامت ستاره مشخص شده است (یعنی شعرهای منثور کتاب) آزمایشی است در شعر و خواننده می‌تواند هر نامی که بخواهد بر آن بگذارد. لحن تقلید شعر خارجی، به خصوص ترجمه‌هایی که از شعر ناظم حکمت در آن سال‌ها انتشار می‌یافت، در این قطعات ه. ا. سایه کاملاً آشکار است و شاعری به‌مانند او که در زمینه‌های فنی شعر قدیم و اسالیب سخن قدمایی در هم‌نسلانش بی‌همانند بوده است، در این گونه شعرها به تقلید از همان لحن ترجمه، مجبور شده است تغییراتی در ساختمان جمله و اجزای کلام ایجاد کند (موسیقی شعر، ص ۲۵۴).

او افزون بر شعر، ترانه‌هایی انگشت‌شمار اما اثرگذار سروده است. «سرگشته» یا «تو ای پری کجایی» (آهنگ‌ساز: همایون خرم، خواننده: حسین قوامی) و «سپیده» یا «ایران ای سرای امید» (آهنگ‌ساز: محمدرضا لطفی، خواننده: محمدرضا شجریان) از نامدارترین کارهای او در این زمینه‌اند که در جاهای دیگر آن دو را بررسی‌هایم (این ترانه بوی نان نمی‌دهد، ص ۹۱-۸۶؛ «به ترنم و ترانه ۲»، ص ۳۴۱-۳۳۶).

هرچند نوشتن سال‌شمار آغاز کتاب، که دربردارنده نمایی کوتاه از رویدادهای گوناگون کار و زندگی هنری و خانوادگی سایه است، تا اندازه‌ای ما را از پرداختن به زندگی‌نامه او بی‌نیاز می‌کند، افزودنی است که موسیقی همواره در خانواده سایه جایگاهی ویژه داشته است. پدر او، میرزا آقاخان در جوانی تار می‌نواخته و خواهر کوچکش، رفیعه، گذشته از فراگیری ویلن نزد مجید وفادار، آوازی نیکو داشته و در یک فیلم سینمایی آهنگی دوصدایی را همراه داریوش رفیعی خوانده است (پیر پریشان‌اندیش، ج ۱، ص ۲۲). سایه خود از نوجوانی، نخست نزد رئیس ارکستر شهر و سپس نزد یرواند مارتیروسیان، مشق ویلن کرد؛ اما با شکسته شدن ناخواسته سازش بسیار زود دست از نوازندگی کشید. او در رشت خواندن گوشه‌های دستگاه ماهر را از نقاشی به نام حسین، فراگرفت و در سال‌های پس از آن با شنیدن ردیف، سراسر ردیف‌های آوازی و سازی را آموخت.

۱. ما نیز، که بنیاد کار را بر بررسی سه کتاب شعر یادشده از سایه نهاده‌ایم، آن‌ها را در شمار سروده‌های او نمی‌آوریم.

سایه موسیقی‌شناسی آگاه است و گذشته از همنشینی با برترین موسیقی‌دانان معاصر و آرشیوداری و ضبط خصوصی موسیقی، خود در زمینه آهنگ‌سازی، خوانندگی و موسیقی‌پژوهی آزموده‌هایی دارد (نک: «سایه و موسیقی»، ص ۹-۷). او شعرهای خود را همراه با خواندن آواز می‌سراید و در موسیقی شعر خود درنگ می‌کند. از همین‌روست که آهنگ‌سازان و خوانندگان، سروده‌هایش را برای ساختن تصنیف و خواندن آواز می‌پسندند. نگارنده در دو جستار («به ترنم و ترانه ۲»، ص ۳۳۵-۳۲۷؛ «به ترنم و ترانه ۵»، ص ۴۵۹-۴۳۱) به شناساندن بیش از ۲۰۰ اثر موسیقایی که با شعر سایه پدید آمده پرداخته است.

او شش سال (۱۳۵۷-۱۳۵۱) در رادیو سرپرست برنامه‌های موسیقی (دو سال نخست تنها برنامه گل‌های تازه و سپس کل موسیقی رادیو) بود. رضا سیدحسینی، که پیشنهاد بهره‌گیری رادیو از دانش و توان سایه را به رضا قطبی (رئیس رادیو و تلویزیون ملی ایران) داده بود، از «دقت شگفت‌آور و نکته‌سنجی او در راهنمایی خواننده و ارکستر» سخن گفته است («سایه، دقیق و نکته‌سنج»، ص ۶۴) و فریدون شهبازیان، که از نزدیک‌ترین همکاران موسیقی‌دان سایه در آن سال‌ها بود، می‌گوید:

شناخت عمیق و گسترده‌ای که آقای ابتهاج از موسیقی داشتند سبب شد که قضاوت‌های بسیار درستی در خصوص موسیقی بکنند. علاوه بر این، شخصیت ایشان سبب شد که کارهای تقریباً ناممکن در رادیو ممکن شود («سایه ناممکن‌ها را ممکن کرد»، ص ۸۴).

سایه با پایه‌گذاری گروه‌های «شیدا» (به سرپرستی محمدرضا لطفی) و «عارف» (به سرپرستی پرویز مشکاتیان و حسین عزیزاده) که پس از کناره‌گیری از کار در رادیو پدیدآورنده کانون «چاووش» شدند، زمینه‌ساز دگرگونی شگرفی در موسیقی ایرانی شد. دگرگونی‌ای که از «بازگشت به خویشتن» و شناخت ریشه‌ها آغاز شد و به «نوآوری» و شاخ و برگ گستردن در هوای امروز رسید.

آنچه پیش‌روی دارید بخش نخست از طرح پژوهشی «سایه و موسیقی» است که بخش‌های پنج‌گانه آن چنین نام‌گذاری شده‌اند:

۱. موسیقی ایرانی در شعر سایه.
۲. شعر سایه در موسیقی ایرانی.
۳. گل‌های تازه.
۴. گلچین هفته.
۵. ترانه‌سرایی سایه.

نگارنده امیدوار است پس از این دفتر، چهار بخش دیگر را، که کار پژوهش درباره آن‌ها کمابیش به‌انجام رسیده است، پیشکش دوستداران ادبیات و موسیقی کند. انگیزه نگارش این کتاب و سودی که می‌تواند داشت، شناخت بیشتر و بهتر سایه و شعر اوست. سایه‌ای که در شمار اندک سخنوران روزگار ماست که هنوز شعرش بر زبان‌ها روان است و پیر و جوان دست‌کم لخت‌هایی از آن را به‌یاد سپرده‌اند. با گزارش بسیار کوتاه و فشرده‌ای که از کار و زندگی سایه به‌دست دادیم روشن شد که موسیقی در زندگی سایه جایگاهی والا داشته است. او شیفته موسیقی، همنشین خنیاگران بزرگ و بی‌مانند روزگار، موسیقی‌شناس، ترانه‌سرا و از مدیران اثرگذار در زمینه هنر موسیقی بوده است. کتاب پیش‌رو در نگاه نخست گزیده‌ای موضوعی است از سروده‌های سایه که با نگاه کمینه‌گرایی امروزیان در گزینش شعرسازگاری دارد. شیوه گزینش تک‌بیت یا تک‌لخت در کتاب‌های گزیده شعر و بیش از آن در فضای مجازی، رویایی بسیار دارد.

می‌دانیم که فرهنگ‌ها، از کتاب‌های مرجع‌اند و خواندنی نیستند. در فرهنگ‌ها پس از معنی کردن واژه‌ها یک یا دو نمونه کاربرد آن‌ها را از متن‌های گوناگون می‌آورند؛ اما از آنجاکه فرهنگ ما بسامدی و ویژه شعر یک شاعر است در آن همه سروده‌های سایه که دربردارنده واژه‌ها و اصطلاحات و کنایات ویژه هنر موسیقی‌اند یک‌جا گردآوری و دسته‌بندی شده‌اند. بیشتر نمونه‌ها بیت‌هایی با معنی جداگانه‌اند (هرچند در بافت شعر به‌هرروی پیوندی با پیش و پس دارند). از همین‌روی خواندن سراسر فرهنگ هم برای دوستداران شعر و موسیقی دلپذیر خواهد بود. برای گروهی که نگاهی جستجوگر دارند در این فرهنگ امکان سنجش کاربردهای گوناگون یک واژه موسیقایی در شعرهای سایه فراهم آمده است؛ برای نمونه خواننده می‌تواند زیر مدخل «نی» ببیند که سایه در درازنای هفتاد سال سخنوری چگونه و با چه زبان، تصویر، نگاه و اندیشه‌ای درباره این ساز کهن سخن گفته است.

افزون آنکه معنی کردن واژه‌های موسیقایی، گونه‌ای شرح و گزارش شعرهای موسیقایی و گره‌گشایی شمرده می‌شود. سایه شاعر همین روزگار است و مانند برخی شاعران کهن چون خاقانی شروانی گرایش به بهره‌گیری گسترده از اصطلاحات تخصصی و دشوار ندارد؛ اما باز هم در برخی نمونه‌ها مانند «بال کبوتر»، «صفر»، «نوروز عجم» و... گزارش واژه‌ها برای بسیاری از خوانندگان شایسته و حتی بایسته است. گذشته از این، ما با شناساندن کاربردهای ایهامی در دل فرهنگ، خوانندگان را متوجه معنای دوگانه بسیاری از واژه‌ها (و چه بسا بیت‌ها) کرده‌ایم. در واژه‌هایی چون «بی‌راه»، «حزین»، «دمساز»، «ساز»، «عشاق»، «گفتن»، «گوشمال دادن» و... که در نگاه نخست شاید تک‌معنایی بنمایند، با برجسته‌سازی ما معانی ایهامی نیز فرادید می‌آیند.

از دیگر سودمندی‌های این فرهنگ، که آن را از فرهنگ‌های عمومی زبان پارسی جدا می‌کند، این می‌تواند باشد که در فرهنگ‌های عمومی، اشاره‌ای به کاربردهای شخصی یا ترکیب‌سازی، کنایه‌سازی و مجازآفرینی شاعران و نویسندگان نمی‌شود؛ ولی ما سازگار با ساختار فرهنگی که دربارهٔ یک شاعر پدید آمده بر نمونه‌هایی چون «زدن» (در معنی فعل لازم برای ساز ناقوس)، «تپیدن» (به‌کنایه در معنی «نواخته شدن» برای طبل و سازهای کوبه‌ای)، «شیون» (به‌مجاز دربارهٔ «آوای بلند موسیقایی» برای شیپور)، «ناله‌پرداز» (در معنی «به‌نوا درآورنده») و... انگشت نهاده‌ایم.

یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگ خاص این است که می‌توان در آن به واژه‌هایی مرکب که آمدنشان در فرهنگ عمومی بایسته نیست، پرداخت؛ برای نمونه «زه‌گسسته» که در فرهنگ ما آمده مدخلی جدا در لغت‌نامهٔ دهخدا، فرهنگ فارسی معین یا فرهنگ بزرگ سخن نیست و نیازی هم نیست که باشد؛ زیرا خواننده با دیدن معنی «زه» و «گسستن» در دو مدخل جداگانه خود به معنی آن واژهٔ مرکب پی خواهد برد.

اگر از دید پژوهشی بدین فرهنگ بنگریم آن را بخشی از طرح بزرگ «فرهنگ واژه‌های شعر سایه» و طرح بزرگ‌تر «فرهنگ واژه‌های موسیقایی ادب پارسی» می‌یابیم. به‌انجام رسیدن یا رساندن طرح دوم از آرزوهای نگارنده است که تاکنون با بررسی و گردآوری واژه‌های موسیقایی شاهنامه و دیوان خاقانی گامی چند در راه رسیدن به آن برداشته است. بررسی دیوان هر شاعر می‌تواند شماری نمونهٔ شعری یا حتی مدخل را به پیکرهٔ آن فرهنگ بزرگ بیفزاید. تنها کار بنیادینی که در این زمینه به‌انجام رسیده گردآوری واژه‌نامهٔ موسیقی ایران‌زمین به کوشش هنرمند گرانمایه، مهدی ستایشگر است که هرچند نیازمند بازبینی است در سال‌های گذشته تنها آبخور دانشجویان بوده است. شماری از واژه‌های فرهنگ ما، ازجمله همان «زه‌گسسته» یا «خوش‌سخن»، «های و هی» و... در کتاب یادشده دیده نمی‌شود.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد بنیاد کار ما بر سه دفتر سیاه‌مشق، تاسیان و بانگ نی نهاده شده و هرگاه از «سراسر سروده‌های سایه» سخن گفته‌ایم خواستمان شعرهای همین سه دفتر بوده است. او بسیاری از سروده‌های خود را هرگز به‌دست چاپ نسپرده و نمی‌سپارد و بسیاری از سروده‌های چاپ‌شدهٔ روزگار جوانی‌اش را بازچاپ نمی‌کند؛ زیرا می‌کوشد بهترین کارهایی را که کرده است به‌نمایش بگذارد. شعرهایی که او از سه دفتر نام‌برده کنار نهاده است، جز آنکه او خود دیگر چاپ آن‌ها را نمی‌پسندد، نمایندهٔ راستین هنر او نیستند. از همین‌رو ما در پژوهش خود آن سروده‌ها و سراسر دفتر شعر نخستین نغمه‌ها (دربدارندهٔ سروده‌های سایه در میانهٔ سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ یعنی ۱۵ تا ۱۸ سالگی او) را نادیده گرفته‌ایم. گرینش نام نخستین نغمه‌ها نشان می‌دهد که سایه از همان سال‌های نوجوانی و در گام‌های آغازین خود در راه شعر به موسیقی

نگاهی ویژه داشته است. برای آگاهی خوانندگان می‌گوییم که در دفتر یادشده غزلی با نام «او» هست که در چند بیت آن واژه‌های موسیقایی دیده می‌شود^۱:

این چه آهنگی ست کامشب می‌زنی ای چنگ‌زن
 پرده برگردان و آهنگی دگر بر چنگ زن
 داغم امشب تازه‌تر کردی، خدا را رحم کن
 کم دگر بر تار و پودِ قلیم امشب چنگ زن
 ناله من در غم تو، ناله تو از کجاست؟
 من تو را خواهم ولی تو گو چه خواهی چنگ‌زن...
 در چمنزاران پیر، لبخند زن، فریاد کن
 هرچه می‌خواهی بکن، آواز خوان، آهنگ زن (نخستین نغمه‌ها، ص ۵۲)

بخش دیگر کتابی که در دست دارید ویژه بررسی ابهام‌های موسیقایی شعر سایه است. در آن بخش خوانندگان از ابهام تناسب‌های گوناگونی که در شعر سایه آمده است آگاه می‌شوند و گذشته از به دست آوردن آگاهی‌هایی در زمینه هنر موسیقی و شناخت دانش موسیقایی سایه، به لایه‌های دیگری از باریک‌بینی‌ها و نکته‌سنجی‌های او در گزینش واژه‌ها و سرودن شعر پی می‌برند. واژه‌های سازنده ابهام تناسب از یک دیدگاه بر دو دسته‌اند؛ برخی از آن‌ها در فرهنگ واژه‌های موسیقایی شعر سایه آمده‌اند و برخی هرگز در شعر او به معنی موسیقایی کاربرد نیافته‌اند.

۱. اگر از واژه‌های دارای ابهام و واژه‌های در پیوند با آوای پرندگان بگذریم، سایه در چند بیت دیگر هم واژه‌های ویژه هنر موسیقی را به‌کار گرفته است:

مطرب بخوان ز دفتر سایه ترانه‌ای

ساقی بیار باده گلگون که درکشم (نخستین نغمه‌ها، ص ۸)

--

من خبر دارم ازان کز غم شیرین‌دهنی‌ست

تو چه دانی که به صد شور چه می‌نالد نای (همان، ص ۱۹)

--

آید از هر طرف آوازی خوش

گوییا نغمه چنگ است و رباب (همان، ص ۲۵)

--

سایه پابسته عشق تو شد از عقل پرست

وز خموشی به دودد شور و نوا بازآمد (همان، ص ۲۹)

--

دستی به چنگ می‌زد و پا می‌کوفت

خوش می‌سرود و شوری دیگر داشت (همان، ص ۵۵)

--

چو نای نالد و نباشد این عجب

که شوری اندر افکند نوای او (همان، ص ۷۵)

به هر روی واژه‌های هر دو گونه یادشده در بخش ایهام تناسب با معنی غیرموسیقایی به شعر سایه راه یافته‌اند و با معنی حاضر یا غایب واژه‌های دیگر تناسب ساخته‌اند.

برای آسان‌تر شدن کار پژوهشگران و برای آنکه خوانندگان گرمی چشم‌انداز روشن‌تری از سروده‌های سایه و همه واژه‌های موسیقایی کاربردیافته در سروده‌های او داشته باشند، در فرجام «نمایه حوزه‌های معنایی» و «نمایه سروده‌های سایه» را سامان داده‌ایم.

نکته درخور یادکرد دیگر اینکه نگارنده سال‌هاست بخت آشنایی نزدیک و همنشینی با سایه را داشته و همه شعرهای سایه را بارها بر او خوانده است. از این رو با آگاهی از دیدگاه او درباره همه نمونه‌های کاربرد راستین یا ایهامی موسیقایی واژه‌ها و شناخت دانش گسترده او در زمینه موسیقی دست به نگارش کتاب پیش‌رو زده است. می‌توان گفت سایه بیشتر کاربردهای ایهامی و ایهام تناسب‌های یادشده را آگاهانه به کار برده است. به یاد دارم روزی یکی از دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی پایان‌نامه خود را، که درباره شعر سایه نوشته بود، برای وی آورد. سایه با دیدن برداشت‌های آن دانشجو از سخنان خود، شگفت‌زده شد و بسیاری از برداشت‌های او را بی‌پایه و زاده پنداروی یا لغزش آشکار دانست. خوشبختانه نگارنده به یاری راهنمایی‌های شاعر از چنین کاستی و لغزشی برکنار مانده است. البته سنجۀ ما خود متن و معنایی که از آن برمی‌آید بوده است؛ ولی آگاهی از خواست شاعر هم، در جایگاه نشانه‌ای برای سنجیدن دوری یا نزدیکی برداشت نگارنده از سخن شاعر، در راه پژوهش به یاری وی آمده است. کوشیده‌ایم با میانه روی، هم خواست و گستره دیدگاه شاعر و هم برداشتی را که خواننده، بی‌هیچ آگاهی از دیدگاه شاعر، از متن خواهد داشت پیش چشم بیاوریم و گزارشی خردپسند از سروده‌های او (چه در معنی راستین و چه در معنی ایهامی) به دست دهیم.

در فرجام کار، بیش و پیش از هر کس می‌باید از استاد هوشنگ ابتهاج سپاسگزاری کنم که سال‌هاست این دوستدار و شاگرد کوچک را در سایه مهر خویش پذیرفته است. از نوجوانی دوستدار شعر سایه بوده‌ام و زیر نخستین نقدی که به خیال خام خود درباره شعر او نوشته‌ام (و خوشبختانه چاپ نشده است) تاریخ آبان ماه ۱۳۷۶ دیده می‌شود؛ اما پس از آشنایی با این مرد بزرگ دریچه‌ای دیگر از هستی و مستی بر من گشوده شد که شیفتگی‌ام را هزارچندان کرد. سخنوری را دیدم و شناختم که شعر پارسی و به‌ویژه ظرایف و ظرفیت‌های موسیقایی آن را بیش از همه کسانی که تا امروز دیده‌ام می‌شناسد. شاعری که دلی دریایی دارد. انسان و جهان و پیمان را پاس می‌دارد. مردی که سراپا راستی و آزادگی و نیکخواهی است. در این سال‌ها دولت‌سرای او برای من پناهگاه و پیوند جان خسته و گسسته از دوگانگی‌ها و درگیری‌های درون و پلیدی‌ها و پلشتی‌های بیرون بوده است. امیدوارم دستاورد تلاش نگارنده، که در نود سالگی استاد به چاپ سپرده می‌شود، بتواند بخشی بسیار اندک از وام بزرگی را که او برگردن من و ما

دارد بگذارد. اگر در دفتر پیش‌رو و چهار دفتر سپسین، خوبی و سودی هست همه از اوست و اگر کاستی و ناراستی‌ای باشد (که هست) همه از من است.

یار یگانه دکتر محمد افشین‌وفایی همچون همیشه با دید و دانش فراگیر خویش پشتیبان و یاری‌رسان نگارنده بوده است.

مدیر مسئول گرامی انتشارات هنر موسیقی، جناب آقای مهدی ستایشگر، و مدیر اجرایی نشر، بانو مژگان زرین‌نقش، در چاپ کتاب از هیچ‌گونه همکاری دریغ نورزیدند. گفتنی است جناب ستایشگر سال‌ها پیش با بررسی سیاه‌مشق سایه و بیرون کشیدن ۴۶ بیت نمونه که در آن‌ها واژه‌ها و اصطلاحات موسیقی به‌کار رفته (نام‌نامه موسیقی ایران‌زمین، ص ۲۱-۱۹) نخستین‌گام را در شناخت واژه‌های موسیقی شعر سایه برداشته است.

هنرمندان خوش‌نگار آقایان سعید فروتن و امیرمهدی مصلحی با نیک‌بینی و باریک‌بینی زیبایی‌شناسانه خود کتاب را به شیوه‌ای چشم‌نواز آراسته‌اند.

دوستان دانشمند و مهربان، آقایان سعید لیان و مهدی کمالی در بخش نگارش فرهنگ مرا از راهنمایی‌ها و گره‌گشایی‌هایشان بهره‌مند کردند. از همه ارجمندان نام‌برده بسیار سپاسگزارم.

مهدی فیروزیان

تهران، امیرآباد شمالی- ۲۹ آذر ۱۳۹۶